



اصول فقه ۴ (حلقه ثالث)

درس ۳۶

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای حمید نقی زاده سی سخت

شبهه در یک اعتبار به موضوعیه و حکمیه قابل انقسام است. در شبهه‌های موضوعیه، در ناحیه حکم مشکلی وجود ندارد، و آنچه موجب اشکال است در ناحیه موضوع حکم است؛ اما در شبهه‌های حکمیه، اشکال و شبهه از ناحیه خود جعل و حکم است. در مطالب پیش گفته بیان شد که موضوع و محور اصلی مباحث، رکن دوم استصحاب است که به بررسی بعضی از جوانب و فروعات این رکن پرداخته شد.

در ادامه، در این درس رابطه رکن دوم و حکم استصحاب در شبهه‌های حکمیه بررسی شده و پس از آن، اشاره کوتاهی به رکن سوم استصحاب خواهیم نمود.

الشبهات الحكمية في ضوء الركن الثاني

و قد يقال: ان الركن الثاني يستدعى عدم جريان الاستصحاب في الشبهة الحكمية، كما إذا شك في بقاء نجاسة الماء أو حرمة المقاربة، بعد زوال التغير أو النقاء من الدم. و ذلك لأن النجاسة و الحرمة و كل حكم شرعى ليس له وجود و ثبوت الا بالجعل، و الجعل آنى دفعى فكل المجعول يثبت في عالم الجعل في آن واحد من دون ان يكون البعض منه بقاء للبعض الآخر و مترتباً عليه زماناً، فنجاسة الماء المتغير بتمام حصصها و حرمة مقاربة المرأة بتمام حصصها متقارنة زماناً في عالم الجعل، و عليه فلا شك في البقاء بل و لا يقين بحدوث المشكوك أصلاً، بل المتيقن حصة من الجعل و المشكوك حصة أخرى منه، فلا يجرى استصحاب النجاسة أو الحرمة.

و هذا الكلام مبنى على ملاحظة عا لم الجعل فقط فان حصص المجعول فيه متعاصرة، بينما ينبغي ملاحظة عالم المجعول، فان النجاسة بما هي صفة للماء المتغير الخارجى لها حدوث و بقاء، و كذلك حرمة المقاربة بما هي صفة للمرأة الحائض الخارجية، فيتم بملاحظة هذا العالم اليقين بالحدوث و الشك في البقاء و يجرى الاستصحاب.

ج) وحدة القضية المتيقنة و المشكوك

و هذا هو الركن الثالث. و الوجه في ركنيته انه مع تغاير القضيتين لا يكون الشك شكاً في البقاء بل في حدوث قضية جديدة، و من هنا يعلم بان هذا ليس ركناً جديداً مضافاً إلى الركن السابق بل هو مستنبط منه و تعبير آخر ع نه. و قد طبق هذا الركن على الاستصحاب الجارى في الشبهات الموضوعية، و على الاستصحاب الجارى في الشبهات الحكمية، و واجه في كل من المجالين بعض المشاكل و الصعوبات كما نرى فيما يلى.

ادعای عدم جریان استصحاب در شبهه‌های حکمیه

بحث در رکن دوم قاعده استصحاب بود که طبق نظر مشهور تحت عنوان شک در بقاء مطرح است، اما برخی خواستند شکل دیگری از این رکن استظهار کنند که در مطالب پیشین بررسی شد.

برخی از اصولیون معتقدند که اگر شک در بقاء، رکن استصحاب باشد، جریان استصحاب در شبهه‌های حکمیه ناممکن است؛ زیرا در این شبهه‌ها، شک مکلف در جعل حکم شرعی است و جعل حکم، یک فرآیند دفعی است؛ حکم با تمام شقوق یکباره جعل می‌شود. این در حالی است که برای تحقق رکن دوم باید در بقاء، شک داشته باشیم و واضح است که حدوث و بقا در تدریجیات معنا دارد نه دفعیات، پس در جعل حکم، حدوث و بقا متصور نیست.

مثال

شارع مقدس به یکباره نجاست را بر آب متغیر با تمام حصصی که دارد جعل نموده است. بنابراین نجاست آب متغیری که تغیرش زائل شده است، بقای آب متغیر به حساب نمی‌آید تا اگر مکلف در آبی که تغیر از او زائل شده است شک کرد، بگوییم شک او شک در بقای نجاست است، و بدین سان رکن دوم محقق شده باشد و بالتبع استصحاب جاری شود. مثال دوم، حرمت مقاربت با همسر در هنگام حیض است. پس از حیض و پیش از غسل شک می‌کنیم که حرمت مقاربت هنوز باقی است یا نه؟ شارع مقدس، حرمت مقاربت در حال حیض را یکباره با تمام شقوق و حصص جعل نموده است. بنابراین شک مکلف در پایان حیض، شک در حرمت در هنگام حیض به حساب نمی‌آید و در نتیجه، رکن دوم استصحاب تمام نیست.

ادعای فقدان رکن نخست استصحاب در شبهه‌های حکمیه

تا اینجا بحث در فقدان رکن دوم در شبهه حکمیه بود اما رکن نخست نیز در این موارد مفقود است. یعنی اصلاً یقینی به حدوث حرمت مقاربت بعد از نقای از حیض نداریم تا رکن نخست استصحاب تحقق داشته باشد بلکه آنچه یقین داریم بخشی از حکم شرعی است و آنچه شک داریم بخش دیگری از حکم شرعی است، آنچه یقین داریم حدوث حرمت برای زن حیض است و آنچه شک داریم حدوث حرمت مقاربت برای زنی است که از حیض پاک شده است. بنابراین ما نسبت به حرمت مقاربت بعد از حیض هیچ یقینی به حدوث و حرمت نداریم تا استصحابی جاری باشد. پس رکن نخست نیز مفقود است.

متن عربی و نکات تطبیقی

و قد يقال: ان الركن الثانى يستدعى عدم جريان الاستصحاب فى الشبهة الحكمية، كما إذا شك (١) فى بقاء نجاسة الماء أو حرمة المقاربة (٢)، بعد زوال التغیر أو النقاء من الدم. و ذلك (٣) لأن النجاسة و الحرمة و كل حكم شرعى. ليس له وجود و ثبوت الا بالجعل، و الجعل آنى دفعى فكل المجعول (٤) يثبت فى عالم الجعل فى آن واحد من دون ان يكون البعض منه (٥) بقاء للبعض الآخر و مترتباً (٦) عليه زماناً، فنجاسة الماء المتغير بتمام حصصها و حرمة مقاربة المرأة بتمام حصصها متقارنة زماناً فى عالم الجعل، و عليه فلا شك فى البقاء بل و لا يقين بحدوث المشكوك أصلاً، بل المتيقن حصّة من الجعل و المشكوك حصّة أخرى منه، فلا يجرى استصحاب النجاسة أو الحرمة.

۱. اگر شک مجهول خوانده شود فاعل نیاز ندارد اما اگر معلوم خوانده شود مکلف مقدر، فاعل است، هر دو وجه درست است.
۲. بقای نجاست و حرمت مقاربت لف ونشر مرتب است.
۳. مشارالیه: استدعای حکم.
۴. یعنی: حکم شرعی.
۵. مرجع ضمیر: مجعول.
۶. معطوف علیه: بقاء.

Sc01:۱۰:۵۵

پاسخ شهید صدر به ادعاهای مطرح شده

شهید صدر (ره) می‌فرماید دیدگاه مزبور بر اساس تمرکز بر عالم جعل است و در صورتی که به لحاظ عالم مجعول به قضیه نگریسته شود این اشکال، وارد نخواهد بود.

بیان مطلب به این شکل است که حکم شرعی دو ثبوت و تحقق دارد: یکی مربوط به عالم جعل و دیگری به عالم فعلیت یا مجعول. در مرحله فعلیت، حکم تدریجی است و در یک زمان، حدوث پیدا می‌کند و سپس باقی خواهد بود. در دو مثالی هم که بیان شد مطلب به همین شکل است؛ وقتی آب متغیر می‌شود، نجاست حادث می‌شود و این نجاست بقاء دارد و شک ما در این مرحله است که آیا تا بعد از زوال، نجاست استمرار دارد یا با زوال، نجاست هم زائل می‌شود. در مورد حرمت مقاربت در حال حیض، نیز مسئله به همین شکل است و حدوث و بقاء به لحاظ عالم مجعول دارد. بنابراین وقتی که ما احکام را در مرتبه مجعول می‌بینیم احکام ماهیت تدریجی به خ و د می‌گیرند و می‌شود گفت که شک مکلف در حرمت مقاربت بعد از نقاء، شک در حرمت مقاربت در هنگام حیض است، بنابراین، ارکان استصحاب تمام است.

رکن سوم استصحاب

رکن سوم استصحاب، وحدت قضیه متیقن و مشکوک است. وجه رکنیت این است که اگر قضیه‌ای که مکلف به آن یقین دارد و قضیه‌ای که در آن شک دارد یکی نباشند، شک، در بقای قضیه متیقن نخواهد بود و شک در قضیه دیگری است. به همین جهت، باید بین این دو وحدت برقرار باشد. و با توجه به این مطلب روشن است که این رکن بیان دیگر رکن دوم است نه یک رکن جدید.

اما نکته در مشکلاتی است که در تطبیق این رکن وجود دارد. شهید صدر (ره) در ادامه مشکلات مربوط به تطبیق رکن سوم را در دو بخش مطرح می‌کنند؛ ابتدا مشکلات مربوط به تطبیق رکن سوم در استصحاب جاری در شبهه‌های موضوعیه و سپس شبهه‌های حکمیه.

متن عربی و نکات تطبیقی

و هذا الكلام مبني على ملاحظة عالم الجعل فقط فان حصص المجعول فيه متعاصرة (۱)، بينما ينبغي ملاحظة عالم المجعول، فان النجاسة بما هي صفة للماء المتغير الخارجی (۲) لها (۳) حدوث و بقاء، و كذلك حرمة المقاربة بما هي صفة للمرأة الحائض الخارجية (۴)، فيتم بملاحظة هذا العالم (۵) اليقين بالحدوث و الشك في البقاء و يجرى الاستصحاب.

۱. یعنی: هم عصر و هم زمان است.
۲. الخارجی: صفت آب است.
۳. مرجع ضمیر: نجاست.
۴. الخارجیه: صفت زن است.
۵. یعنی: عالم فعلیت.

ج (وحدة القضية المتیقنة و المشکوکة:

و هذا هو الرکن الثالث. و الوجه فی رکنیته انه مع تغایر القضیتین لا یكون الشک شکاً فی البقاء بل فی حدوث قضية جديدة، و من هنا یعلم بان هذا ليس رکناً جدیداً مضافاً إلى الرکن السابق بل هو مستنبط منه و تعبیر آخر عنه (۱). و قد طبق هذا الرکن علی الاستصحاب الجاری فی الشبهات الموضوعية، و علی الاستصحاب الجاری فی الشبهات الحکمیة، و واجه (۲) فی کل من المجالین بعض (۳) المشاكل و الصعوبات كما نرى فیما یلی.

۱. مرجع ضمیر: رکن دوم.
۲. فاعل: رکن سوم.
۳. مفعول واجه

Scot: ۲۴: ۵۵

۱. برخی از اصولیون معتقدند که اگر شک در بقاء، رکن استصحاب باشد، جریان استصحاب در شبهه‌های حکمیه ناممکن است. در این شبهه‌ها، شک مکلف در جعل حکم شرعی است و جعل حکم، یک فرآیند دفعی است؛ برای تحقق رکن دوم باید در بقاء، شک داشته باشیم و واضح است که حدوث و بقا در تدریجیات معنا دارد نه دفعیات. رکن نخست نیز مانند رکن دوم در شبهه حکمیه مفقود است.
۲. اشکال وارد بر رکن دوم مبنی بر تمرکز بر عالم جعل است و در صورتی که به لحاظ عالم مجعول به قضیه نگریسته شود این اشکال رفع خواهد شد.
۳. وجه رکنیت رکن سوم این است که اگر قضیه‌ای که مکلف به آن یقین دارد و قضیه‌ای که در آن شک دارد یکی نباشند، شک، در بقای قضیه متیقن نخواهد بود و شک در قضیه دیگری است.